

فرضیه‌هایی پیرامون احتمال

مهاجرت سماوی اجداد بشری به کره‌ی زمین

کشف عنصرهای ارتباطاتی بین آسیای میانه، سومر، خاور دور،

و مریخ در راستای اساتیر و جغرافیای کائنات

پژوهش و برگردان: شهاب ستوده‌نژاد

پیشگفتار

فرضیه‌پردازان کهکشان‌شناسی، باستان‌شناسان و دانشمندان علوم فضایی، نظریه‌های نکته‌سنج مآبانه‌ای ارائه داده، و پیرامون کشف اشیاء و ابزارهای کنجکاوی برانگیزانه در شرق، در راستای استوره‌های سومری و سعی در تطبیق شکل و شمایل کره‌ی زمین و تصویرهای ارسالی از کره‌ی مریخ، مسابلی را مطرح ساخته‌اند. با در نظر گرفتن این نکته که کره‌ی مریخ حدود هشتاد میلیون کیلومتر از کره‌ی زمین فاصله دارد، ما در این چشم‌انداز به مجموعه منابع موجود توجه می‌کنیم.

شواهدی در اساتیر و آثار کاوشگری

اساتیر سومریان در خط میخی و کتیبه‌هایشان، و آثار هنری - سلطنتی آن‌ها، نماد و علایم و نگاره‌هایی به‌جای نهاده‌اند که تجزیه و تحلیل‌هایی نجومی حاصل آن است، که از نقطه‌نظر حکاکای‌های هنری در راستای حضور اشکالی ویژه با علایم ستاره‌شناسی سنجیده شده‌اند، و به‌ارایه فرضیه‌ی ابزار کاربردی، مانند سفینه‌های کهکشان‌پیما انجامیده است. این نشانه‌ها را در تاج‌ها و زینت‌آلان شاهان سومری، و سبک‌هایی هندسی که قابل تطبیق با جزییات و عناصری در علوم فضایی است مطابقت داده‌اند، و در نهایت، به‌نقد و بررسی‌های جالب توجه و مهمی انجامیده است که حال در این

پژوهش به زبان فارسی، و به اختصار توضیح و تفسیرهایی را ارائه می‌کنیم.

تفسیرهای به عمل آمده در کشفیات باستان‌شناسی در محور شبه جزیره‌ی عربی و بین‌النهرین، حکایت از کنجکاو‌ی به نجوم هندسی در این منطقه‌ی خاور نزدیک در آسیای غربی دارد. نمادیت اسلامی کعبه و فرود سنگ آسمانی، در واقع دورنمای حضور اشکال و اسباب و اشیایی نجومی و هندسی در دربارهای پادشاهان خاورمیانه‌ای از گذشته‌های دور بوده که از این اشیاء برای سرگرمی درباریان بهره می‌برده‌اند، در ایران باستان، کنجکاو‌ی‌های متافیزیکی، هنرهای فلات باستانی ایران نیز، دارای زمینه‌های هندسی و معماری گونه به ویژه از عصر مادها به بعد بود، هرچند که در تمدن عیلام عناصر معماری باغ‌ها و باغچه‌ها، هندسی ارزیابی شده است. سومریان هم دوره عیلام بودند، اما کاهنان سومری که نگارش هیروگلیف را ابداع کرده بودند، مدعی تاریخی برای تمدن سومریان بودند که کهن بودن آن را به حدود پنجاه هزار سال پیش از میلاد می‌رساندند و سال ۴۳۲۰۰۰ را مبدا سومر می‌دانستند. کاهنان سومری در نگارش و توضیح‌های خویش پیرامون مبدا فوق‌العاده طولانی سومر، اشارات شگفت‌انگیزی به عمل آورده بودند که تا عصر حاضر اسرارآمیز، و فاقد نشانه‌های جامع تاریخی است. با این حال، در راستای کنجکاو‌ی پیرامون فرضیه‌ی ارتباط حیات در کره‌ی زمین و دیگر کرات منظومه شمسی، و حتی نظریه‌ی یک کره‌ی دهم در منظومه‌ای دورتر، و پدید آمدن تمدن‌های بشری در خاور نزدیک، ادعاهای اثبات‌ناپذیر مانده و مورد ادعای کاهنان سومر باستان باعث شد که این موارد مورد توجه کارشناسان نظریه‌پرداز قرار گرفته شود. ما می‌دانیم که کاوش‌های باستان‌شناسان، به کشف لوح‌هایی انجامیده که، روی آنها علایم و نشانه‌های هندسی و جدول‌های ویژه ضرب و تقسیم و جذر و کعب نمایان است، و از طرفی نیز سومریان، قومی با زبان و افکار مرکب، و پیچیده‌ای به شمار آمده‌اند: تمدنی کهن که استوره‌ای اسرارآمیز و منظومه‌ای، بمانند گیلگمش در کره‌ی خاکی به یادگار گذاشته است. پیدایش اولیه‌ی سومریان را در نقطه‌ی تلاقی دجله و فرات می‌دانند. در استوره‌های سومر، انکی ENKI ایزد آب دانسته می‌شد، و همان‌طوری که میرچیا الیاده بازتاب بابلی معماری بابل را تشریح ساخته بود: نقشه‌ی بابل، این شهر را در مرکز یک محوطه‌ی بزرگ دایره‌وار نمایان می‌سازد که به یک رودخانه (به عنوان مرز) می‌رسد که، به طور دقیق نمایانگر و منعکس کننده‌ی نحوه‌ی نگرش بهشت (اساتیبری) سومریان است.

روی هم رفته، فرضیه پردازان در پرداختن به ارتباط کروی مریخ و فلات باستانی سومر، نقش آب در حیات مریخ قدیم در راستای فلات سومر، و چند فلات دیگر در کروی ارض را مورد بررسی تطبیقی قرار داده‌اند. این که مریخ، زمانی دارای آب و هوا، و رودخانه و فلاتی قابل مقایسه با فلات‌هایی روی زمین بوده، مدنظر است. فلات دیگر را در سرزمین پرو PERU در آمریکای جنوبی در راستای حضور علایم و نشانه‌هایی اسرارآمیز در مناطق دور افتاده، و فاقد سکنه مورد توجه قرار داده‌اند، زیرا از نقطه نظر مطابقت با تصاویری ارسال شده به وسیله ماهواره‌های فرستاده به سمت مریخ، شباهت‌هایی را در تار و پود نظم فلات و دیگر حالت‌های باقیمانده در سطح کروی مریخ، و در محورهای سومری بین‌النهرین، و نقطه‌هایی در فلات پرو را قابل تطبیق می‌دانند. این موارد جغرافیایی در مریخ و کروی ارض، در راستای اشاره‌های کاهنان سومری در استوره‌های سومر، به یک نتیجه‌گیری احتمالی رسید که براساس یک نظریه، حکایت از سفری سماوی به سمت کروی زمین در پانصد هزار سال پیش از میلاد مسیح دارد. نشانه‌های حکاکی شده در نشانه‌های سلطنتی سومر با ابزار و تجهیزات سفینه شکل، حلاجی شده‌اند که بنیانگزاران یک هویت مستقر در فلات سومری را به عنوان بازماندگان یک نژاد سماوی، و فرودآمده از کهنکشانان دور دست به شمار می‌آورد.

فرود به کروی زمین از بهشت سماوی در مجمع‌الجزایری در شرق آسیا در اساتیر ژاپن باستان، و در افسانه‌های ژاپن شامل فرود موجودی انسان‌گونه در آن سرزمین است، و در اساتیر سکا‌های سکوتی نیز به فرود اشیاء مقدس سماوی اشاراتی هست. اما در نظریه‌ی فرود موجوداتی انسان‌گونه به زمین در محور سومر، نظریه‌های مبداء حرکت متفاوت هستند. بعضی از نظریه پردازان، مبداء سفر سماوی به سمت کروی ارض را از یک سیاره با آب و هوای مشابه کروی زمین در خارج از منظومه‌ی شمسی دانسته‌اند، اما نظریه‌ی حرکت با سفینه‌هایی از کروی مریخ از اولویت بیش‌تری برخوردار است. در نظریه‌ی مریخی، به حضور تکنولوژی مهندسی ژنتیکی اشاره رفته، و این که پیوندی نژادی، و یا ظهور یک نژاد اولیه از طریق تکنولوژی تلقیح مصنوعی، و یا کودک سلول لوله آزمایشی: TEST TU BE BABY به مرحله‌ی انجام درآمده بوده است. ناپدید شدن سفینه اکتشافاتی روسیه در اطراف مریخ، و حضور سایه‌های مرموز در تصاویر ارسالی از مریخ، در فرضیه‌ی دخالتی اسرارآمیز نقش داشته است.

امروزه، پژوهش‌های مکمل ایرانی و شرق‌شناسی‌های ایران، به ایده‌آل باستانی در

فلات‌های کهن ایرانی در راستای رازپرواز، دانشمندان با چشم‌انداز به‌نگاره‌ای در آسیای میانه، تفسیری قابل تطبیق با یک کلاهی خود فضانوردان ارایه داده‌اند که مشابه با عناصری کشف شده و تعبیر شده به‌عنوان نوعی ابزار تنفسی لوحه مانند از جنس گرانیت در ناحیه‌ی مرزی چین و تبت است. این نگاره‌ها در کاشان و فرغانه تفسیرهایی سماوی آفریده‌اند. فرغانه با خاور دور نزدیکی‌های تکنیکی داشت، زیرا کشاورزی پیشرفته آریایی - ایرانی را به‌یَنگ شائو برد. در اساتیر و افسانه‌های ژاپنی به‌فرود آسمانی و فرود یک کودک کهکشانی با یک سفینه اشاراتی هست. از طرف دیگر، قدمت سفاله در ژاپن ۱۲۰۰۰ سال دانسته می‌شود، و یک دانشمند روسی، مدعی ورود ساکنان یک کوهی دیگر به‌زمین در دوازده هزار سال پیش است. این ادعا استوار بر تحلیلی زبان‌شناسی روی لوحه‌های سنگی یاد شده است.

مرغ افسانه‌ای ایران سیمرغ، سفینه‌ی کیهان نورد توصیف شده، و داستان سفر آسمانی کاووس، دارای همبستگی با اساتیر سومری شناخته می‌شود. یک اشاره‌ی همبسته‌ی دیگر در بین‌النهرین، ماجرای کشف باستان‌شناسی کوزه‌ی برق‌زا در ویرانه‌های تیسفون است که به‌عنوان یک نوع باتری با قدمتی از دوره‌ی اشکانی تشخیص داده شده است. این کوره که در جدارهای میانی آن لعیم کاری ویژه‌ای درون یک محیط استوانه شکل با کاربرد مس، قیر، سرب و قلع به‌چشم می‌خورد، در تکنولوژی جریان برق برای انجام طلاکاری و زیباسازی فلزات زینتی بوده است. یک تکنولوژی اولیه ولی پیچیده‌ی آبکاری: آیا این علم به‌فرغانه نیز رخنه کرده بود؟ سومریان یک تمدن پیشرفته‌ی کشاورزی در مجاورت عیلام بودند، و در همان زمانه، چین نیز یک تمدن غنی با اقتصادی وابسته به‌تکنولوژی پیشرفته بودند. عنصرهای اولیه این علوم از کجا سرچشمه گرفته بودند؟ علم پیشرفته در تمدن‌های باستانی حضور داشته اما در آن دوران کاربرد عملی محدودی داشته است. شاپور اول ساسانی دانشمندان نایب‌ای در دستگاهش داشت که از ترس بر ملا شدن و یا به‌سرقت رفتن دانش عجیبش، بر آن شد تا او را در بالای یک برج محفوظ دارد. حتا در آن زمان، دانشی بالاتر از انتظار که به‌ساخت بال‌های چوبی پرواز انجامید، فرمانروای ساسانی را نگران کرده بود.